



ویژگی های علم حضوری؛ از خطاناپذیری تا شخصی و غیرقابل انتقال بودن

یکی از مهمترین ویژگی های علم حضوری این است که قابل اتصاف به صدق و کذب یا مطابقت و عدم مطابقت با واقع نیست...

یکی از مهمترین ویژگی های علم حضوری این است که قابل اتصاف به صدق و کذب یا مطابقت و عدم مطابقت با واقع نیست، در صورتی که علم حصولی بدان متصف می گردد. به گزارش خبرگزاری مهر، با تامل در تعریف های متعدد از علم حضوری و علم حصولی و جستجو در آثار حکما و فلیسوفان مسلمان، می توان ویژگی ها یا تمایزهایی میان آنها یافت. به عنوان مثال بنا بر آثار ابن سینا، علم حضوری خود در صورت عینی مجرد نزد عاقل است، اما علم حصولی حضور مثال و صورت ذهنی آن و به تعبیر دقیقتر، علم حضوری ادراک صورت عینی مجرد است و علم حصولی ادراک صورت ذهنی و مثال آن. در اینجا به برخی از ویژگی ها در تعاریف مختلف می پردازیم.

- خطاناپذیری

علم شهودی یا حضوری خطاناپذیر است، در صورتی که علم حصولی چنین نیست و احتمال خطا در آن راه دارد. در مورد این ویژگی می توان ادعا نمود، از عصر حکمایی که آموزه علم حضوری را ابداع نموده و تلویحا یا تصریحا به تمایز آن با علم حصولی توجه کرده اند تا کنون در این باره اتفاق نظر وجود دارد که علم حضوری منهای تفسیرها و تعبیرهای آن، که خود نوعی علم حصولی است خطا ناپذیر است. کمتر مسئله فلسفی را می توان یافت که چنین مقبولیت همگانی داشته باشد، به گونه ای که حتی یک نفر از حکما در آن اظهار تردید یا مخالفت نکرده باشد. از منظر معرفت شناسی، مهم ترین و ویژگی علم حضوری یا شهودی "خطاناپذیری" آن است.

- متصف نشدن به صدق یا کذب

این تمایز یا ویژگی در آثار حکمای مسلمان تا گذشته ای بسیار دور قابل پیگیری است و می توان آن را تا عصر شیخ اشراق دنبال کرد. شیخ اشراق بدین ویژگی تصریح کرده و بدین ترتیب میان علم حضوری و حصولی تمایز نهاده است. علاوه بر شیخ اشراق، صدرالمتهلین نیز بدین ویژگی تصریح کرده است. در هر صورت یکی از مهمترین تمایزها یا ویژگی های علم حضوری این است که قابل اتصاف به صدق و کذب یا مطابقت و عدم مطابقت با واقع نیست، در صورتی که علم حصولی بدان متصف می گردد.

- فقدان واسطه

ویژگی دیگر علم حضوری این است که در این گونه معرفت، میان عالم و معلوم واسطه ای همچون مفاهیم و صور ذهنی متحقق نیست، بلکه ذات معلوم در عالم حضور دارد. این ویژگی را به روشنی در برخی از تعریف های علم حضوری می توان یافت. دستکم در این تعریف که علم حضوری ادراک بدون واسطه صور و مفاهیم ذهنی است این ویژگی مشهود است. با تحقق این ویژگی یا تمایز علم حضوری، که امری وجود شناختی است، را از خطاناپذیری علم حضوری، که ویژگی یا تمایزی معرفت شناختی است آشکار می گردد. خطا در مورد ادراکی متصور است که میان عالم و معلوم واسطه باشد. آنجا که واسطه ای نیست، بلکه نفس معلوم یا مدرک نزد عالم یا مدرک حاضر است، خطا ناممکن است. از باب نمونه، در آنجا که شیئی را با آینه مشاهده می کنیم. خطا متصور و امکان پذیر است، زیرا ممکن است آینه محدب یا مقعر باشد و در ارائه یک شیئی آنچنان که هست خطا کند. اما آنجا که ذات شیء را بدون واسطه ای همچون مفاهیم و صور ذهنی می یابیم چگونه ممکن است خطا تحقق یابد؟ راز خطاناپذیر بودن علم حضوری بدون واسطه بودن آن است.

- امکان دستیابی به حقیقت وجود

دستیابی به حقیقت وجود و واقعیت هستی، صرفا از راه علم حضوری ممکن است. این امر را می توان از ویژگی های علم حضوری به شمار آورد، زیرا از راه علم حصولی نمی توان به شناخت واقعیات وجودی نایل شد. تنها راهی که می توان به واسطه آن به شناخت حقیقت هستی و واقعیت موجودات دست یافت شناخت از راه شهود یا علم حضوری است.

- شخصی و غیر قابل انتقال بودن

علم حضوری پدیده ای شخصی است و نمی توان آن را عینا به دیگران منتقل کرد چنان که حواس ظاهری نیز این گونه اند. البته اگر علم حضوری به علم حصولی تبدیل گردد، در این صورت، قابل انتقال به دیگران است اما در این صورت، علم حصولی است و نه علم حضوری؛ یعنی این علم حصولی است که انتقال یافته است. باید خاطر نشان ساخت که شخصی و غیر قابل انتقال بودن علم حضوری موجب این نیست که چنین معرفتی اختصاصی باشد، بلکه ممکن است این گونه معرفت همگانی بوده هر کس بتواند به تجربه ای از آن نایل گردد و مرتبه ای از آن را دارا باشد. از این رو شخصی بودن و غیرقابل انتقال بودن آن منافاتی با همگانی بودنش ندارد. منظور از "شخصی" این است که نفس وجود این تجربه خاص قابل انتقال به دیگران نیست، اما مثل آن برای دیگران قابل حصول

است؛ چنانکه با تبدیل آن به علم حصولی، قابل انتقال به دیگران است.